

## اسرائیل و اراضی اشغالی؛ استفاده گسترده از خشونت \*

□ برگردان: بخش ترجمه

چکیده

از شروع انتفاضه بیش از ۳۳۰ نفر فلسطینی توسط نیروهای امنیتی اسرائیل به قتل رسیده‌اند که حدود ۱۰٪ آنها کودکان هستند. تحت پیگرد قرار نگرفتن کسانی که تخلفاتی را در زمینه حقوق بشر مرتکب می‌شوند و همچنین عدم انجام تحقیقات در مورد تعداد فراوان قتل‌هایی که به دست نیروهای امنیتی اسرائیل صورت پذیرفته، در مجموع به از بین رفتن حاکمیت قانون منجر شده است. سازمان عفو بین الملل در واکنش به گزارش‌های مکرر مربوط به استفاده گسترده نیروهای امنیتی اسرائیل از نیروی مرگبار خود برای مقابله با تظاهرات فلسطینیان، در چهارم ماه اکتبر سال جاری دو نماینده را به اراضی اشغالی اعزام کرد تا بر مبنای معیارهای بین‌المللی، چگونگی کاربرد قوه قهریه از سوی نیروهای امنیتی اسرائیل را مورد تحقیق و بررسی قرار دهند.

این گزارش صرفاً مسئله استفاده گسترده از زور توسط نیروهای امنیتی اسرائیل را مورد بررسی قرار می‌دهد.

### سر آغاز

مطابق با معیارهای بین‌المللی موجود، مقامات مجری قانون تنها در صورتی باید از سلاح‌های گرم استفاده نمایند که سایر ابزارهای موجود کارآمد نبوده، یا از به کارگیری

\* این گزارش توسط سازمان عفو بین الملل به تاریخ ۱۹/۱۰/۲۰۰۰ منتشر شده است.

آنها، هیچ احتمالی دال بر دست‌یابی به نتیجهٔ مورد نظر، مشهود نباشد. در مواردی که وسایل کم‌خطرتر موجود، برای تحقق اهداف مورد نظر فاقد کارایی لازم باشند، صرفاً به منظور جلوگیری از مرگ یا وارد آمدن جراحات جدی به افراد، می‌توان بعد از دادن هشدارهای مناسب، از سلاح‌های گرم علیه افراد غیر نظامی استفاده کرد. مقامات مجری قانون در راستای انجام این عمل نیز لزوماً بایستی جان افراد را محترم بدانند و نه تنها برای حفظ آن بکوشند بلکه میزان جراحات و آسیب‌ها را نیز به حداقل برسانند. معیارهای بین‌المللی موجود بر این نکته تأکید دارد که مقامات مجری قانون، تنها زمانی می‌توانند به کاربرد آگاهانه و مرگبار از سلاح‌های آتشین متوسل شوند که ارتکاب چنین کاری برای حفظ جان (خود یا سایرین) مطلقاً اجتناب‌ناپذیر باشد.

نفراتی که از جانب سازمان عفو بین‌الملل به اسرائیل و اراضی خودگردان اعزام شدند شامل یکی از کارکنان رسمی سازمان و فرد دیگری به نام دکتر استیفن مالس\* بودند. دکتر مالس یکی از افسران عالی رتبهٔ سابق پلیس انگلیس است که در زمینهٔ موضوع حساس برقراری نظم عمومی، فردی متخصص به شمار می‌آید. افراد یاد شده از مناطق متعددی که در آنها نیروی مرگبار سلاح‌های گرم مورد استفاده قرار گرفته بود، بازدید به عمل آوردند: مناطقی مثل بیت‌المقدس، شمال اسرائیل (مناطق ناصریه، ازابه، و سخنین)، کرانه باختری (شهرهای رام‌ال... و نابلس)، و نوار غزه (نتزاریم و شهرهای خان یونس و رفح) از جملهٔ آنها به شمار می‌آیند. نفرات اعزامی در تلاش برای این که تا حد امکان، منطقه وسیع‌تری را مورد کنترل و بررسی قرار دهند، از سازمان‌های اسرائیلی، فلسطینی و همچنین از نهادهای بین‌المللی حقوق بشر نیز اطلاعاتی را دریافت نمودند.

معترضینی که از ۲۹ سپتامبر سال جاری در تظاهرات انجام شده در بیت‌المقدس و

\* Stephen Males

داخل اسرائیل شرکت نموده‌اند، در جریان تظاهرات اقدام به پرتاب سنگ کرده‌اند. نفرات اعزامی سازمان عفو بین‌الملل هیچ اطلاعاتی دال بر اینکه در تظاهرات یاد شده، معترضین از سلاحهای گرم استفاده کرده باشند بدست نیاوردند. در کرانه باختری و نوار غزه نیز اگر چه اغلب تظاهر کنندگان در اعتراضاتی که با پرتاب سنگ همراه بوده شرکت داشته‌اند، اما در موارد چندی نیز اعضای نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین و برخی افراد دیگر بر علیه نیروهای امنیتی اسرائیل از سلاحهای گرم استفاده کرده‌اند. سازمان عفو بین‌المللی بر اساس تحقیقات خود، و از جمله بازدیدهای محلی که از مناطق برگزاری تظاهرات به عمل آورده، از این بابت نگران است که نیروهای امنیتی اسرائیل از ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ به این سو در مقابله با تظاهرات فلسطینیان، مکرراً در شرایطی به استفاده گسترده از نیروی مرگبار خود متوسل شده است که نه جان نیروهای امنیتی و نه زندگی سایرین، هیچکدام در معرض خطر قریب‌الوقوع نبوده و این اقدام آنها به قتل‌های ناموجه و غیرقانونی منجر شده است. این سازمان در عین حال نگران آن است که نیروهای امنیتی اسرائیل در پاره‌ای از موارد، مانع از رسیدن کمکهای پزشکی به مجروحان شده است.

عفو بین‌الملل خواستار ایجاد یک نهاد بین‌المللی و مستقل تحقیق است که از متخصصان امور قضایی جنایی و سایر کارشناسانی تشکیل شده باشد که بخاطر بیطرفی و صداقت خود معروف باشند. هدف از تشکیل این نهاد بین‌المللی آن خواهد بود تا در مورد کلیه قتل‌ها و سایر موارد جدی نقض حقوق بشر که از ۲۹ سپتامبر سال ۲۰۰۰ به این طرف روی داده تحقیق نماید. ماههای سپتامبر و اکتبر ۲۰۰۰ نخستین مقطع زمانی نیستند که استفاده گسترده نیروهای امنیتی اسرائیل از نیروهای مرگبار باعث وارد آمدن تلفات جانی به فلسطینیان شده باشد: در جریان انتفاضه سالهای ۹۳-۱۹۸۷، در ماههای سپتامبر و اکتبر سال ۱۹۹۶، در ماه می سال ۲۰۰۰، و در بسیاری موارد دیگر نیز معترضین و افراد ناظر بر تظاهرات انجام شده، و از جمله تعداد زیادی کودک، در اثر استفاده نیروهای

اسرائیل از قوه قهریه جان باخته‌اند. سازمان عفو بین‌الملل بر این باور است که اقدامات یاد شده علاوه بر دلایل دیگری که در این زمینه وجود دارند، از این رو ادامه پیدا کرده‌اند که «دولت اسرائیل»، درباره شرایط و چگونگی بروز موارد قبلی که در آنها به شکل گسترده از قوه قهریه استفاده شده هیچ نوع تحقیقی را صورت نداده و در کشاندن عاملان انجام اقدامات خلاف قانون به پیشگاه عدالت کوتاهی کرده و حتی پس از بروز یک چنین کشتارهایی از ایجاد تغییر در نحوه استفاده نیروهای امنیتی خود از قوه قهریه به شکلی که با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر مطابقت پیدا نماید نیز سهل‌انگاری کرده است.

بر این اساس، سازمان عفو بین‌الملل از دولت اسرائیل می‌خواهد که بدون فوت وقت نحوه مقابله با تظاهرات را مورد بازنگری قرار دهد تا اطمینان حاصل شود که در آینده، اقدامات نیروهای امنیتی این کشور با معیارهای بین‌المللی مطابقت داشته باشد و به این ترتیب حق حیات سایرین رعایت شده و مورد محافظت قرار گیرد.

## سابقه

در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ پس از پایان مراسم نماز جمعه در مسجد الاقصی حوادثی روی داد که در جریان آنها فلسطینیان به طرف منطقه‌ای که «دیوار غربی» در آنجا قرار دارد اقدام به پرتاب سنگ نمودند. \* متعاقب این واقعه، نیروهای امنیتی اسرائیل دست به تیراندازی زدند که در نتیجه آن، دست کم پنج نفر در شهر بیت المقدس جان باخته و بیش از ۲۰۰ نفر دیگر نیز زخمی شدند. تظاهراتی که بعداً برگزار شد در اعتراض به این کشتارها بود. پس از آن که بینندگان تلویزیون صحنه منازعه طولانی را مشاهده کردند که به مرگ

\* دیدار آریل شارون قصاب صبرا و شتیلاز حرم شریف و هتک حرمت به این مکان مقدس اسلامی، سرآغاز شروع درگیریها بود که در گزارش عفو بین‌المللی به آن اشاره نگردیده است.

یک پسر بچه ۱۲ ساله به نام محمدالدوره \* انجامید، این تظاهرات گسترش بیشتری نیز پیدا کرد. کودک یاد شده در تاریخ ۳۰ سپتامبر سال جاری در تقاطع نتساریم واقع در نوار غزه، در حالی از سوی نیروهای امنیتی اسرائیل مورد اصابت گلوله قرار گرفت که پدرش سعی می کرد از وی محافظت نماید.

در روزهای بعد نیز تظاهرات اعتراض آمیزی - که اغلب به بروز درگیریهای خشونت بار میان فلسطینیان و نیروهای امنیتی اسرائیل می انجامد - در شهرها و روستاهای کرانه باختری و نوار غزه برگزار شد. در شهرها و روستاهای عرب نشین واقع در داخل خاک اسرائیل نیز تظاهراتی به وقوع پیوست که در جریان آنها، دست کم یازده عرب ساکن اسرائیل کشته و صدها تن دیگر نیز زخمی شدند.

**معیارهای بین المللی و مقررات تیراندازی آزادانه (آتش به اختیار) برای نیروهای دفاعی اسرائیل:** معیارهای بین المللی مربوط به نحوه عملکرد مقامات مجری قانون تصریح می کند که افسران مجری قانون و نیز یگانهای مسلح کشور، هنگامی که وظایف مربوط به اجرای قانون را عهده دار می شوند، وظیفه شان این است که حقوق انسانی تمامی افراد را رعایت و محافظت کرده و زندگی آنها را مورد محافظت و صیانت قرار دهند: «مقامات مجری قانون در راستای انجام وظیفه خودشان باید حرمت انسانی را رعایت و محافظت کرده و از حقوق انسانی تمامی افراد محافظت و حمایت نمایند.» (بند ۲ مجموعه مقررات اجرایی مربوط به مقامات مجری قانون). بر این اساس، حقوق مورد اشاره در بند فوق، حق حیات را نیز شامل می شوند. «مقامات مجری قانون تنها موقعی می توانند از زور استفاده نمایند که کاربرد آن مطلقاً حالت ضروری داشته باشد. در این صورت نیز میزان بکارگیری قوه قهریه باید به اندازه ای باشد که برای انجام وظیفه شان ضرورت داشته

\* Mohammed Al-Dura

باشد.» (بند ۳ مجموعه مقررات اجرایی مربوط به مقامات مجری قانون)

تفسیر ناظر بر ماده فوق تصریح می کند که استفاده از سلاحهای گرم به عنوان یک اقدام نهایی و آخرین راهکار توصیه شده، تلقی می شود. تفسیر مزبور همچنین به ویژه تأکید می کند که: «برای عدم استفاده از سلاحهای گرم بویژه علیه کودکان، هر اقدامی که لازم باشد باید صورت گیرد.»

«مقامات مجری قانونی جز در دفاع از خود یا سایرین در برابر خطر قریب الوقوع مرگ یا وارد آمدن جراحت نباید علیه افراد غیر نظامی از سلاحهای گرم استفاده کنند..... و تنها زمانی باید به این کار مبادرت نمایند که ابزارهای کم شدت تر موجود، برای تحقق مقاصد مزبور کارآمد نباشند.» (بند ۹ «اصول پایه» مربوط به نحوه استفاده از زور و سلاحهای گرم توسط مقامات مجری قانون - مجموعه اصول پایه).

«کاربرد آگاهانه و به قصد کشت سلاحهای گرم، تنها زمانی مجاز خواهد بود که این عمل در حفظ جان (خود و یا سایرین) مطلقاً اجتناب ناپذیر باشد.» (اصل ۹ مجموعه اصول پایه). «هرگاه استفاده قانونی و مجاز از سلاحهای گرم اجتناب ناپذیر باشد، مقامات مجری قانون باید:

الف) میزان جراحت و صدمات را به حداقل رسانده، و زندگی انسانی را محترم داشته و مورد محافظت قرار دهند.

ب) اطمینان حاصل نمایند که امداد و کمکهای پزشکی، در سریعترین زمان ممکن به افراد مجروح شده یا کسانی که در اثر به کارگیری سلاحهای گرم به نحوی مصدوم شده اند ارائه می شود.» (اصل ۵ مجموعه اصول پایه).

«... در مواردی که مرگ یا جراحت جدی حادث شده باشد، گزارش مشروعی در خصوص نحوه بروز واقعه مزبور بایستی فوراً برای مقامات صلاحیتدار مسئول در زمینه بررسیهای اداری (اجرایی) و کنترل قضایی ارسال شود.» (اصل ۲۲ مجموعه اصول پایه).

مقررات اسراییل در زمینه استفاده از سلاحهای گرم که در «فرامین نیروهای دفاعی اسراییل (IDF) برای گشودن آتش در مناطق یهودا و سامریه (یعنی کرانه باختری) درج گردیده تصریح می نمایند که:

- یک سرباز در صورت بروز خطر فوری برای جان خود یا سایرین، زمانی از اسلحه استفاده خواهد کرد که دفاع مؤثر در برابر فرد مهاجم، جز از طریق استفاده از اسلحه (گرم) امکان پذیر نباشد.

- تیراندازی صرفاً به قصد مورد اصابت قرار دادن فرد مهاجم صورت پذیرفته و در قالب اقدامی صورت می گیرد که برای جلوگیری از خطر موجود ضرورت داشته باشد.

- جز در زمانی که خطر هنوز وجود دارد، در سایر موارد نباید تیراندازی شود.

بخش مربوط به «روشهای متفرق کردن آشوبها» که در همان منبع درج شده بر این نکته تأکید می کند که سربازان، برای متفرق کردن آشوبگران، در ابتدا وسایل و ابزارهای غیر کشنده را به کار گیرند:

- مقررات تصریح می کند که برای متفرق کردن اجتماعات غیرقانونی، در ابتدا باید از آشوبگران خواسته شود تا متفرق شوند.

- اگر آشوب بروز یافته ظرف مدت زمان معقول خاتمه پیدا نکند، مطابق مراحل ترتیبی ذیل، مجاز خواهد بود که وسایل لازم برای متفرق کردن تظاهرات به کار گرفته شوند:

۱- استفاده از ابزارهایی نظیر: گاز اشک آور، ماشینهای آب پاش، ترقه های انفجاری،

نارنجکهای حاوی گازهای بیهوش کننده

۲- تیراندازی های هوایی هشدار دهنده.

۳- تیراندازی با استفاده از گلوله های پلاستیکی (طبق مجموعه قوانین

RRNM، Roma GG، RM).

عبور از یک مرحله به مرحله دیگر تنها زمانی صورت خواهد گرفت که مرحله قبلی به

پایان آشوبهای خشونت بار منتهی نشده باشد. اگر برخی ابزارهای خاص لازم در اختیار نیروی عمل کننده نباشد، یا اگر ابزارهای مورد اشاره در شرایط ایجاد شده قابل به کارگیری نباشند، می توان یکی از مراحل مورد اشاره را حذف نمود.

استفاده از ابزارهای موجود برای متفرق کردن اجتماع غیر قانونی، و گذر از یک مرحله به مرحله بعدی، طبق دستورات صادره از جانب شخص فرمانده صورت خواهند گرفت.

اگر استفاده از تمامی ابزارهای موجود دیگر و از جمله به کارگیری گلوله های پلاستیکی در متفرق کردن اجتماعات غیر قانونی و آشوبها کارآمد واقع نشوند، در آن صورت می توان از گلوله های پلاستیکی استفاده کرد. اما در ابتدا باید تلاش شود تا با استفاده از سایر ابزارهای موجود، برای متفرق کردن تظاهرات و ناآرامیهای ایجاد شده یا سنگ پرانی معترضان خاتمه داده شود.»

## تظاهرات؛ الگوی برگزاری تظاهرات

اگر چه در درگیریهایی که بر اثر آشوبهای ایجاد شده رخ داده اند، بین روش مقابله با این ناآرامیها در اسرائیل و بیت المقدس شرقی، که به اسرائیل ضمیمه شده است از یکسو، و روش به کار گرفته شده در اراضی اشغالی از سوی دیگر تفاوت های عمده ای وجود دارد، اما روشهای به کار گرفته شده به منظور متفرق کردن تظاهرات، تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند. نفرات اعزامی از جانب سازمان عفو بین الملل، در داخل اسرائیل و بیت المقدس شرقی هیچ اطلاعاتی به دست نیاوردند که نشان بدهد، فلسطینیان از سلاحهای گرم استفاده کرده اند و بنابراین، هیچ خطر جدی جان نیروهای امنیتی کاملاً مجهز اسرائیلی را تهدید نمی کرد. اگر چه برخی از تظاهرکنندگان در داخل اسرائیل، ظاهراً به شکل ناموفقی تلاش کرده اند تا بمبهای بنزینی درست کنند، اما به ندرت گزارشی دال بر استفاده از بمبهای مذکور مخابره شده است. در هر حال، بمبهای بنزینی هم مثل سنگهای پرتاب



شده از ناحیه تظاهر کنندگان، هیچ خطر عمده و قابل توجهی را برای پلیس کاملاً مجهزی که برای کنترل آشوب آموزش دیده است به وجود نمی آورد. یک سخنگوی نیروهای ارتش اسرائیل درباره قوانین و مقررات مقابله با ناآرامیها به نرات اعزامی از سوی سازمان عفو بین الملل گفت که برای مقابله با هر نوع تظاهراتی که در داخل خاک اسرائیل بروز پیدا نماید، این پلیس است که نقش فرماندهی عملیات مقابله با ناآرامیها را ایفا می کند، اگر چه ممکن است از ارتش و نیروهای پلیس مرزی نیز خواسته شود تا به کمک نیروهای پلیس بیایند. از سوی دیگر، ارتش اسرائیل در داخل اراضی اشغالی، نقش یک مجری قانون را نیز بر عهده دارد. با این وجود، نقش فرماندهی مقابله با ناآرامیها، چه مثل مناطق داخلی اسرائیل توسط پلیس ایفا شود و یا، مثل حالتی که در اراضی اشغالی وجود دارد، توسط ارتش صورت پذیرد، در هر حال روشهای به کار گرفته در مقابله با تظاهرات، در هر دو مورد مشابه بوده و در مقایسه با شیوه های پلیسی که با هدف کنترل و تظاهرات خشونت بار به کار گرفته می شوند، عمدتاً به «روشهای نظامی» متمایل بوده اند.

## یافته ها

نیروهای امنیتی اسرائیل در مقابله با تظاهرات اخیر در مقایسه با روشهای پلیسی که متضمن حفظ زندگی انسانهاست، بیشتر به شیوه های نظامی گرایش داشته اند. تظاهرات و ناآرامیهایی که در سراسر اسرائیل و اراضی اشغالی برگزار می شدند، از یک الگوی مشخص و تقریباً دارای ماهیت مذهبی پیروی می کردند. توده های فلسطینیان در اغلب موارد به صورت خود جوش بعد از برگزاری مراسم تشییع جنازه، یا برای اعتراض به کشتارهای فلسطینیان که روز قبل توسط نیروهای امنیتی اسرائیل صورت پذیرفته بود، گرد هم جمع می شدند. برخی از تظاهرات انجام شده توسط گروههایی سازماندهی شده بودند که درخواستهایی را برای دست زدن به یک اقدام خاص صادر کرده یا دانش آموزان را به ترک

مدارس دعوت می کردند. مسیر برگزاری یک گردهم آیی اعتراض آمیز یا یک راهپیمایی به طرف یک «مکان نمادین» سازماندهی و تعیین می شد. در کرانه باختری و نوار غزه، مکان نمادین مورد نظر، معمولاً یک پست بازرسی سربازان اسرائیلی یا مسیر منتهی به یک شهرک یهودی نشین بود، و در اسرائیل نیز گاهی اوقات این مکان نمادین، زمینی بوده که در گذشته به جامعه فلسطینیان تعلق داشته و بعداً از سوی مقامات اسرائیلی توقیف و مصادره شده بود. در برخی از تظاهرات انجام شده صدها یا حتی هزاران نفر شرکت داشته اند. موقعی که تظاهرات مذکور شکل گرفته و مردم به حرکت در می آمدند، به ندرت توسط خود ترتیب دهندگان مراسم یا (در مناطق تحت کنترل تشکیلات خودگردان فلسطین) پلیس فلسطین، سازماندهی یا کنترل می شدند. تظاهرکنندگان معمولاً از حیث تعداد نفرات بیشتر از نیروهای امنیتی بودند، اگر چه این حالت به هیچ وجه همیشگی نبوده است. معمولاً هسته مرکزی از تظاهرکنندگان وجود داشته که احتمالاً از ۵۰ نفر یا تعداد بیشتری از افراد متشکل بوده که این آمادگی را داشته اند تا اقدام به پرتاب سنگ نموده یا در رویارویی با نیروهای امنیتی اسرائیل به صفوف جلوتر بروند.

در بسیاری از موارد، به نظر می رسد که رویارویی با نیروهای امنیتی هدف و خواسته هر دو طرف ماجرا، یعنی تظاهرکنندگان و خود نیروهای امنیتی بوده است که از مکانهای نمادین مورد نظر (یا «نقاط اشتعال»)\*، آن گونه که ارتش اسرائیل از این قبیل مکانها با این عنوان نام می برد) آگاه بوده و در اغلب مواقع، با نفرات زیادی در محل مورد نظر منتظر روبرو شدن با تظاهرکنندگان بوده اند. موقعی که تظاهرکنندگان - که اغلب تعداد زیادی از کودکان و جوانان (زیر سن ۱۸ سال) نیز در میان آنها هستند - نیروهای امنیتی اسرائیل، که معمولاً به تعداد زیاد در محل حضور دارند را مشاهده می کردند، در اغلب موارد اقدام به

\* Flashpoints

پرتاب سنگ نموده و گاهی نیز بمبهای بنزینی آتش زار را به طرف آنها (نیروهای اسرائیلی) می انداختند. نیروهای امنیتی اسرائیل تقریباً همیشه از موقعیت دفاعی مطلوبی برخوردار بوده اند و در حالی که در فاصله مناسبی از تظاهر کنندگان، در پشت سنگرها یا پشت سیمهای خاردار پوشش خوبی را برای خود فراهم کرده و یا با استفاده از سپرهای امنیتی که در مواقع روبرو شدن با ناآرامیها استفاده می شوند، بخوبی محافظت می شدند، و در این حال سنگهایی که از طرف تظاهر کنندگان پرتاب می شد تأثیر چندانی نداشتند. به طور قطع سنگهایی - یا حتی بمبهای بنزینی آتش زایی - که از طرف فلسطینیان پرتاب می شدند به گونه ای نبودند که بتوان گفت جان نیروهای امنیتی اسرائیل را به خطر انداخته باشند. با وجود این و اگر چه نیروهای امنیتی ممکن است عکس العمل خود را با پرتاب گلوله های حاوی گاز اشک آور آغاز کرده باشند، اما دامنه ناآرامیهای مزبور به شکل بسیار سریعی گسترش پیدا کرده و ظرف چند دقیقه بعد، نیروهای امنیتی با تسلیحات مرگبار خود - و با استفاده از گلوله های لاستیکی یا گلوله های فلزی دارای پوشش پلاستیکی و مهمات جنگی - به طرف تظاهر کنندگان تیراندازی می کردند. با این اقدام نیروهای امنیتی اسرائیل، وارد آمدن تلفات جدی به تظاهر کنندگان اجتناب ناپذیر است. همان طور که دکتر مالس در این زمینه گفته است: «اگر شخص بخواهد یک نیروی متخاصم (دشمن) را وادار به عقب نشینی کند اینها تاکتیکهای مناسبی هستند و در این حال نیروهای اسرائیلی، دیگر با تظاهرات فلسطینیان مقابله نمی کنند بلکه اینها با تاکتیکهای خود، آنها را هدف قرار داده اند.»

برخی از فلسطینیان کشته شده، اعضای نیروهای امنیتی فلسطین بودند که به سلاحهای گرم مسلح بوده و به طرف نیروهای امنیتی اسرائیل تیراندازی می کردند. با وجود این، اکثر افراد کشته شده در تظاهراتی شرکت کرده بودند که در آنها، سنگ تنها سلاحی بود که مورد استفاده واقع شده بود. در بسیاری از موارد، هیچ آسیبی به اموال

نیروهای امنیتی یا ساکنان یهودی محل وارد نیامده و خطر فوری و آشکاری نیز که جان آنها را تهدید نماید، وجود نداشته است. تظاهر کنندگان، گاهی اوقات در مکانهای خلوت و جاده‌های واقع در بیرون شهرها کمین می‌کردند. در اکثر موارد، خشم تظاهر کنندگان تنها به هنگام ظاهر شدن نیروهای امنیتی طعیان نموده و خشونت‌های بروز یافته نیز متوجه آنان بوده است. گاهی اوقات، نیروهای امنیتی به مکان نمادینی که تظاهرات در آنجا برگزار می‌شد، وارد نشده و پس از تظاهرات نیز، جمعیت حاضر در محل بدون بروز هیچ نوع حادثه‌ای متفرق شده‌اند. نیروهای امنیتی اسرائیل ممکن است در سایر موارد محق بوده باشند که به نحوی از جان خود (یا سایر شهروندان اسرائیلی) دفاع نمایند، اما حتی در این صورت هم می‌توانستند برای متوقف کردن فیزیکی تظاهرات، مجموعه‌ای از تاکتیک‌های غیر کشنده را به کار گیرند که برای هر یک از طرفین، خطرات جزئی را در پی داشته باشد. استفاده از نیروی مرگباری که با حجم آتش قابل ملاحظه، و مرگ و مجروحیت سایرین همراه بوده، بطور قطع در مقایسه با کاربرد نیروی غیر مهلک برای مقابله با تظاهرات گزینه‌ای بوده که مورد توجه نیروهای امنیتی اسرائیل قرار گرفته است. یکی از سربازان مستقر در یکی از پست‌های بازرسی متعدد اسرائیل، که آمد و شد به داخل و خارج از منطقه تحت اختیار قانونی تشکیلات خودگردان فلسطین را کنترل می‌نمایند، به نفرات اعزامی عفو بین‌الملل گفت: ما در حال جنگ هستیم، شما خودتان هم این مسئله را می‌دانید.»

یک چنین ارزیابی از وضعیت جاری در منطقه از سوی سخنگوی ارتش اسرائیل نیز تکرار شد. وقتی که نفرات اعزامی از سوی سازمان عفو بین‌الملل از سخنگوی یاد شده سؤال کردند که چرا حوادث منتهی به مرگ افراد مورد تحقیق قرار نمی‌گیرند، وی در پاسخ گفت: «این یک وضعیت جنگی است.»

بعد هم که از وی سؤال شد که چرا ارتش اسرائیل نتوانسته است میزان تلفات وارده را کاهش بدهد، سخنگوی مذکور گفت: «ما می‌توانستیم ده برابر تلفات کنونی را به بار

دولتها و مؤسسات مجری قانون باید مجموعه‌ای از ابزارهای گوناگونی که تا حد امکان گسترده باشند را به وجود آورند و مقامات مجری قانون را به انواع مختلفی از سلاحها و مهمات مجهز نمایند که این امکان را بوجود بیاورد که از قوه قهریه و سلاحهای گرم به اشکال گوناگون و متفاوتی استفاده شود. موارد مذکور، با عنایت به لزوم خودداری فزاینده از به کارگیری سلاحهایی که می‌توانند باعث مرگ یا وارد آمدن جراحت به افراد شوند، باید ساخت و گسترش سلاحهایی ناتوان کننده و غیرکشنده را نیز در بگیرند، تا بتوان در شرایط مناسب از این قبیل سلاحها نیز استفاده کرد. به همین منظور، مقامات مجری قانون نیز باید بتوانند خود را به تجهیزات تدافعی شخصی نظیر سپر، کلاه ایمنی، جلیقه‌های ضد گلوله، و وسایل حمل و نقل ضد گلوله مجهز نمایند تا از این طریق میزان نیاز به استفاده از تسلیحات، از هر نوعی که باشند، کاهش پیدا نماید.» (اصل ۲ مجموعه قوانین پایه)

«مقامات مجری قانون در راستای انجام وظیفه خودشان پیش از متوسل شدن به استفاده از قوه قهریه یا سلاحهای گرم باید تا جایی که امکان دارد از ابزارها و وسایل غیرمهلک استفاده نمایند. آنها تنها در صورتی می‌توانند از قوه قهریه یا سلاحهای گرم استفاده کنند که سایر ابزارهای موجود کارآمد نبوده یا هیچ نوع احتمالی دال بر تحقق نتیجه مورد نظر را در پی نداشته باشند.» (اصل ۴ مجموعه اصول پایه).

دکتر استیفن مالس هم در این زمینه می‌افزاید:

«در حالی که این وظیفه پلیس است که از مردم محافظت نماید، اما تظاهراتی که به وارد آمدن جراحات جزیی به مردم منجر شده، و اگر چه بیان این نکته می‌تواند تأسف برانگیز باشد اما اگر برگزاری تظاهرات مذکور، در عین حال موجب وارد آمدن برخی جراحات جزیی یا در مواردی هم وارد آمدن جراحات جدی‌تر به نیروهای پلیس را در پی داشته باشد، این حالت را می‌توان یک موفقیت عمده تلقی کرد. پلیس در موارد مورد اشاره

می‌تواند افتخار کند که از مرگ یا بروز جراحات جدی‌تر جلوگیری کرده است. مردم هم از هر ریشه و نژادی که باشند، به خاطر خطراتی که نیروهای پلیس برای محافظت از امنیت و آسایش مردم متقبل شده‌اند، از آنها سپاسگزار و ممنون خواهند بود. یک فرمانده نظامی دوست دارد میزان خطری که نیروهایش را تهدید می‌کند، به حداقل برساند و میزان آسیبهای وارده به دشمن را به حداکثر برساند. یک فرمانده پلیس دوست دارد با ایجاد امنیت از جان و مال مردم نیز حفاظت نماید. او در عین حال می‌داند که انجام چنین کاری متضمن پذیرش خطراتی است که نیروهای پلیس را در معرض تهدید قرار می‌دهد.»

معیارهای بین‌المللی حقوق بشر و مقررات اسراییل در زمینه درگیر شدن با افراد تظاهرکننده در جریان وقایع اخیر به طور مداوم نقض شده‌اند. طبق اطلاعاتی که از سوی سازمان عفو بین‌الملل گردآوری شده، به نظر می‌رسد که مقررات خود نیروهای امنیتی در زمینه متفرق کردن تظاهرات نیز به شکل گسترده‌ای نقض شده است. مجموعه متنوع و وسیعی از وسایل غیرکشنده و یژه متفرق کردن تظاهرکنندگان به صورت آسان در دسترس وجود داشته‌اند، اما ظاهراً مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. به نظر می‌رسد نیروهای امنیتی این نکته را پذیرفته‌اند که گلوله‌های فلزی دارای پوشش لاستیکی و نیز سلاحهای گرم، در متفرق کردن تمامی انواع تظاهرات به کار گرفته می‌شوند. در گفتگوهایی که میان ارتش اسراییل و سازمان عفو بین‌الملل صورت پذیرفته، بر مبنای این تصور که در تمامی موارد جان افراد در معرض خطر بوده است، لزوم استفاده از سلاحهای گرم پذیرفته و توجیه شده است. در اغلب مکانهایی که نفرات اعزامی از سوی سازمان عفو بین‌الملل از آنها بازدید کرده‌اند، نشانه‌هایی دال بر استفاده از تعداد زیادی از انواع سلاحهای گوناگون پیدا شده است که از جمله آنها می‌توان به تعداد زیادی پوکه فشنگ، پوکه گلوله‌های حاوی گاز اشک‌آور، گلوله‌های فلزی دارای پوشش لاستیکی، و گلوله‌های جنگی اشاره کرد. در نقاط مجزایی که گزارش شده بود، شاهدان عینی واحدهای نیروهای امنیتی اسراییل را دیده‌اند

که به طرف تظاهر کنندگان تیراندازی می کرده‌اند. نیز در جستجوهایی که به عمل آمد دهها گلوله مصرف شده پیدا شد. در بازدید از بسیاری از نقاطی که در مجاورت محل برگزاری تظاهرات واقع شده‌اند، کاملاً مشخص بود که باید صدها گلوله شلیک شده باشد. گلوله‌ها و فشنگهای فلزی دارای پوشش لاستیکی، مهمات جنگی و مصرف شده از کالیبرهای مختلف که در صحنهٔ برگزاری تظاهرات یافت شده یا بقایای آنها در دیوارهای خانه‌های اطراف محل تظاهرات جای گرفته بودند، همگی بر استفادهٔ گسترده از نیروی بالقوه مرگبار موجود در اختیار نیروهای امنیتی اسرائیل حکایت می کردند. آسیبهایی که به دیوارهای منازل وارد آمده بود و سوراخهایی که در بدنهٔ وسایل موجود در نزدیکی محل برگزاری تظاهرات مشاهده می شدند، اگر بر تیراندازی عمدی و بی هدف نیروهای اسرائیلی دلالت نداشته باشند، دست کم از عدم کنترل و نشانه روی دقیق در تیراندازی حکایت می کنند.

بخش عمده‌ای از کسانی که مجروح یا کشته شده‌اند شامل بچه‌هایی بودند که معمولاً در آن محل حضور داشته و اغلب در بین کسانی بودند که در جریان تظاهرات اقدام به پرتاب سنگ می نموده‌اند. رهگذران، افرادی که در داخل خانه‌های خود قرار داشته‌اند و خدمهٔ آمبولانسها نیز در جریان تیراندازیها کشته شده‌اند. ظاهراً افراد بسیاری در اثر تیراندازیهای مرگباری که از هدف گیری دقیقی برخوردار نبوده‌اند، به قتل رسیده‌اند و همانطور که بر رسیه‌های موردی نشان می دهند، به نظر می رسد که سایر مقتولین نیز در بسیاری از موارد، عمداً و به صورت آگاهانه هدف قرار گرفته‌اند. در بسیاری از مناطقی که بچه‌ها کشته شده‌اند، هیچ خطر قریب‌الوقوعی جان نیروهای امنیتی را تهدید نمی کرده و هیچ انتظار معقولی دال بر وجود یک خطر آتی نیز وجود نداشته است. سلاحهای مورد استفاده نیز بالقوه کشنده و برای «شرایط جنگی» مناسب بوده‌اند نه این که برای مقابله با تظاهرات خشونت بار مورد استفاده قرار گیرند.

دکتر مالس در این زمینه می‌گوید:

«تسلیمات ویژه کنترل اجتماعات با آنچه که ارتش در شرایط جنگی به آنها نیاز دارد، متفاوتند. استفاده از آتش سلاحهای خودکار، تفنگ و سایر گلوله‌هایی که قدرت نفوذ بسیار زیادی دارند، یا استفاده از گلوله‌هایی که برد زیادی داشته و در فواصل دور نیز هنگام اصابت به افراد باعث مرگ آنها می‌شوند، در شرایط بروز بی‌نظمی‌های عمومی چندان مناسب نیستند. گاهی اوقات استفاده از چنین سلاحهایی باعث می‌شود تا فردی که مورد نظر نبوده ناخواسته کشته شود. در نتیجه تیراندازی که به صورت نادرست یا ضعیف نشانه‌گیری شده باشد و یا استفاده از گلوله‌های دارای قدرت نفوذ بسیار زیاد یا پرشتاب باعث می‌شوند تا افرادی که در فاصله‌ای دورتر قرار دارند هدف قرار گیرند یا در واقع، کسانی دور از صحنه ناآرامیها و در خانه‌های خودشان کشته شوند. نفرت‌اعزایی، شواهد فراوانی از آثار به جا مانده از گلوله‌های شلیک شده رادر آنسوی منطقه بروز ناآرامی بر روی دیوارهای منازل مسکونی و سایر ساختمانهای نامرتب با (محل بروز) ناآرامیهای اخیر یافته‌اند. آنها همچنین نشانه‌های از نفوذ گلوله‌های شلیک شده رادر ساختمانهای مذکور پیدا کرده‌اند که باعث وارد آمدن خسارت، جراحت و شوک روحی به ساکنان بناهای مزبور گردیده است.

گلوله‌های فلزی دارای پوشش لاستیکی که مکرراً در اسرائیل برای کنترل اجتماعات غیرقانونی مورد استفاده قرار گرفته‌ند نیز کشنده‌اند موقعی که از فاصله‌ای نزدیک‌تر از فاصله حد اقل چهار متری - که مطابق مقرراتی که هم در اسرائیل و هم در اراضی اشغالی وجود دارند - شلیک شوند، این تأثیر مرگبار آنها تشدید هم می‌شود. این موردی است که مکرراً در جریان تظاهرات اخیر اتفاق می‌افتد یعنی اینکه گلوله‌های یاد شده از فاصله‌ای کمتر از چهار متری هدف شلیک می‌شوند. بررسی اطلاعات مربوط به تظاهرات اخیر که در بیمارستان «مقاصد» شهر بیت‌المقدس موجودند، نشان داده است که نیمی از تلفات



وارد بر اثر اصابت گلوله‌های فلزی دارای پوشش لاستیکی به وجود آمده‌اند. گلوله‌های مذکور، صرفاً لاستیکی یا پلاستیکی نیستند بلکه از هسته فلزی تشکیل شده‌اند که در مواردی که مرمی آنها شکل گرد (دایره‌ای) داشته باشند با یک پوشش لاستیکی کمی ضخیم‌تر پوشش داده شده‌اند. قطر خارجی مرمی‌های گرد و استوانه‌ای حدود ۱۷ میلی‌متر بوده و اندازه مرمی‌های استوانه‌ای نیز حدود ۱۸ میلی‌متر است. پوشش لاستیکی موجود بر روی مرمی‌ها نیز حدود ۳ میلی‌متر ضخامت دارد. این میزان در گلوله‌های دارای مرمی دایره‌ای شکلی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا حدی کمتر است. بنابراین اندازه هسته فلزی گلوله‌های مزبور از ساچمه درشت که در گلوله‌های تفنگ شکاری کشنده مورد استفاده قرار گرفته بزرگتر بوده و به یک گلوله چارپاره توپر بیشتر شبیه هستند. در حالی که وزن و شتاب گلوله‌های مزبور احتمالاً کمتر بوده و میزان دقت آنها نیز پایین‌تر است، اما قدرت نفوذ این قبیل گلوله‌ها در بافت بدن و شکافی که در اثر برخورد و اصابت به نسوج بدن فرد در محل اصابت و اطراف آن به وجود می‌آورند و همچنین قابلیت نفوذ آنها کاملاً قابل ملاحظه بوده و اگر در فاصله نزدیک شلیک شوند احتمال دارد که به مرگ فرد مصدوم منجر شوند. نفرات اعزامی هیچ نوع اطلاعاتی را دریافت نکردند که نشان بدهد گلوله‌های استوانه‌ای مشقی، یا گلوله‌های دایره‌ای شکل لاستیکی یا پلاستیکی کوچکتر، از طرف نیروهای امنیتی اسرائیل مورد قرار استفاده قرار گرفته باشند. این قبیل گلوله‌ها از دقت کمی برخوردارند اما در عین این که اگر شرایط بروز درگیری نزدیک مورد استفاده قرار گیرند، کمتر احتمال دارد که باعث مرگ شوند اما همچنان می‌توانند باعث متفرق شدن تظاهرکنندگان شوند.

توانایی نیروهای امنیتی اسرائیل برای مقابله با تظاهرات خشونت‌آمیز بدون استفاده از سلاح‌های گرم در مقابله آنها با تظاهرات خشونت‌بار انجام شده از سوی گروه‌های یهودی معلوم می‌شود. به عنوان مثال، با تظاهرات خشونت‌آمیز یهودیان ارتدوکس افراطی که در

ماه‌های ژوئیه و آگوست سال ۱۹۹۹ در بیت‌المقدس برگزار شد، بدون توسل به سلاح‌های گرم مقابله شد. اگر چه تظاهر کنندگان در پاره‌ای موارد از بابت ضربه بسیار شدید باتون‌هایی که در متفرق کردن تظاهرات خشونت بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند شکایت کرده‌اند، اما در هیچ کدام از تظاهراتی که تاکنون توسط یک گروه یهودی سازماندهی گردیده نیروهای امنیتی حتی با گلوله‌های لاستیکی نیز اقدام به تیراندازی نکرده‌اند.

در برخی موارد، نیروهای امنیتی اسرائیل و فلسطین از رسیدن کمک‌های پزشکی به مصدومان جلوگیری کرده و گاهی اوقات آمبولانسها و کادرهای پزشکی و درمانی نیز مورد هدف قرار گرفته‌اند. موقعی که نیروهای امنیتی از این بابت نگران باشند که به خاطر بروز حادثه یا بی‌نظمی عمومی، اعضای جامعه در معرض خطر قرار بگیرند، وظیفه آنان است تا برای حصول اطمینان از این که تسهیلات پزشکی مناسب برای محافظت از جان مردم و کاهش خطر آسیب رسیدن به آنها در دسترس قرار دارند تلاش نمایند. در پاره‌ای مواقع، قربانیان به خاطر استقرار نیروهای امنیتی اسرائیل و ممنوعیت یا محدودیت آمد و شد اعمال شده از جانب نیروهای مزبور، نتوانسته‌اند به کمک‌های پزشکی دسترسی پیدا نمایند. در پاره‌ای موارد نیز تأخیرهایی که در این زمینه توسط نیروهای امنیتی سبب شده به وخیم شدن وضعیت افراد مجروح منجر شده که گاهی اوقات این وخامت شکل حاد و جدی به خود گرفته است. از نیروهای امنیتی خواسته می‌شود تا تضمین نمایند که امداد و کمک‌های پزشکی در سریعترین زمان ممکن برای هر فرد مجروحی فراهم آورده شود.

یکی از نفرات مجروح شده نیروهای پلیس مرزی اسرائیل در تاریخ اول اکتبر امسال پس از آن که تشکیلات خودگردان فلسطین نتوانست امکان تخلیه پزشکی وی از مقبره یوسف واقع در شهر نابلس را فراهم بیاورد فوت کرد. نیروهای امنیتی اسرائیل ظاهراً حتی افرادی که به تخلیه مجروحان کمک می‌کرده‌اند را نیز هدف قرار داده است.

بسام البیلیاسی \* رانندهٔ آمبولانسی که برای جمعیت هلال احمر فلسطین کار می‌کرد، در تاریخ ۳۰ سپتامبر سال جاری پس از آن که نیروهای اسرائیلی، در تقاطع نتزاریم واقع در نوار غزه، وی را در حالی که در داخل آمبولانس قرار داشت، از ناحیه سینه مورد اصابت گلوله قرار دادند فوت کرد. بنا به گزارشهای رسیده، موقعی که بسام بیلیاسی و همکارانش تلاش می‌کردند تا به محمدالدوره \*\* ۱۲ ساله و جمال دوره \*\*\* پدر وی که هر دو در اثر اصابت گلوله زخمی شده بودند نزدیک شوند، سربازان اسرائیلی به طرف آنها تیراندازی کرده‌اند. محمدالدوره بخاطر جراحات وارده در گذشت، در مورد چگونگی کشته و مجروح شدن این دو نفر نیز هیچ تحقیقی صورت نگرفته است.

نیروهای امنیتی اسرائیل ظاهراً نتوانسته‌اند آن گونه که معیارهای بین‌المللی حکم می‌کند، درباره هر یک از موارد قتل که در اثر تیراندازی سلاحهای گرم متعلق به مأموران مجری قانون حادث گردیده، گزارش تهیه نمایند. طبق گزارشهای اسرائیل، دولت این کشور قصد دارد قاضی‌ای را مأمور تحقیق در مورد درگیریهای نماید که بعد از ۲۹ سپتامبر سال جاری در منطقه الجلیل واقع در شمال اسرائیل میان پلیس و فلسطینیان روی داده است. محدوده‌ای که این تحقیق در چارچوب آن انجام می‌شود نیز مشخص نیست. سازمان عفو بین‌الملل مثل موردی که در تاریخ ۱۷ اکتبر سال جاری با آن روبرو شد، نتوانست هیچ نوع اطلاعاتی بدست بیاورد که نشان بدهد یک چنین مکانیسمی برای تحقیق در زمینه موضوع مورد اشاره به وجود آمده باشد. در هر حال روشن است که کشتارهای انجام شده توسط نیروهای امنیتی که در محدودهٔ اراضی اشغالی صورت پذیرفته‌اند، در جریان یک چنین تحقیق و تفحصی مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. یکی

\* Bassamal- Bilbayasi

\*\* Muhammed al- Dura

\*\*\* Jamal al- Dura

از سخنگویان ارتش اسرائیل، که عمدتاً مسئول اجرای قانون در اراضی اشغالی است، در جریان ملاقاتی که در تاریخ ۱۱ اکتبر سال جاری با نفرات اعزامی از جانب سازمان عفو بین‌الملل داشت این نکته را روشن ساخت که احساس می‌کند، هر قتلی که توسط ارتش اسرائیل انجام شده است موجه می‌باشد. وی افزود که تحقیقات در مورد مرگ فلسطینیانی که در داخل مناطق تحت کنترل تشکیلات خودگردان فلسطین زندگی می‌کرده‌اند غیرممکن است چرا که ارتش اسرائیل به هیچ وجه به کسانی که فوت کرده‌اند دسترسی نداشته و حتی اسامی آنان را هم نمی‌داند.

تشکیلات خودگردان فلسطین نیز نتوانسته است در مورد قتلها تحقیق نماید. هر مورد از قتلهایی که در منطقه تحت اختیار تشکیلات خودگردان فلسطین روی داده، هم از طریق انجام بررسیهای قانونی و هم از طریق پرس و جواز شاهدان و کالبدشکافی فرد مقتول، بایستی به طور کامل مورد تحقیق قرار می‌گرفته است.

طبق اطلاعاتی که نفرات اعزامی عفو بین‌الملل به دست آورده‌اند، هیچ وقت یک چنین تحقیقاتی انجام نشده است. پزشکان فلسطینی که از صلاحیت لازم برای انجام امور مربوط به پزشکی قانونی برخوردار بوده‌اند به سازمان عفو بین‌الملل اطلاع داده‌اند که در هیچ یک از موارد وقوع قتلهای مزبور، از آنها خواسته نشده است تا فرد مقتول را کالبد شکافی نمایند. زندگی هر یک از کسانی که در اراضی اشغالی به قتل رسیده‌اند بطور قطع از جانب ملت و تشکیلات خودگردان فلسطین مهم و با ارزش تلقی شده است و مراسم تشییع جنازه‌های برگزار شده نیز عظیم بوده و اغلب به تظاهرات بیشتر و کشتارهای افزونتر منتهی شده است. کسانی که می‌میرند در پرچم فلسطین پیچیده شده و به عنوان شهیدان کشور از آنها استقبال می‌شود. با این وجود، در فاصله زمانی بین ۲۹ سپتامبر و ۱۲ اکتبر سال جاری بیش از ۸۰ نفر در مناطق تحت اختیار تشکیلات خودگردان فلسطین مردند، بی‌آنکه هیچ تحقیق یا کالبدشکافی در مورد مرگ آنان انجام و کمترین توقع موجود در

رابطه با مرگ آنان برآورده شود، یعنی اینکه اگر آنها به صورت غیرقانونی کشته شده‌اند، کسانی که مسئولین جنایت بوده‌اند به محکمه عدالت آورده شوند. این وضعیت به بروز شرایطی منجر گردیده است که در آن، هیچ فلسطینی به عدالت اطمینان نمی‌کند و حاکمیت قانون نیز محترم نگاه داشته نمی‌شود.

## بررسیهای موردی

### بیت المقدس

در تاریخ ۲۹ سپتامبر سال جاری چهار نفر فلسطینی در صحن مسجدالاقصی کشته شدند و موقعی که پلیس به طرف گروهی از مردم که سنگ پرتاب می‌کردند آتش گشود، یک نفر دیگر نیز در نزدیکی بیمارستان «مقاصد» واقع در شهر بیت المقدس به قتل رسید. بیش از ۲۰۰ فلسطینی و ۷۰ نفر پلیس نیز در جریان این ناآرامیها مجروح شدند. (۲)

- پلیس اسرائیل انتظار بروز این ناآرامیها را داشت و یک هزار نفر از نیروهای خود را به صحنه آورده بود. دامنه ناآرامیها به سرعت گسترش پیدا کرد، بی‌آنکه پیش از متوسل شدن به سلاحهای گرم و گلوله‌های فلزی دارای پوشش لاستیکی، برای استفاده از سایر وسایل موجود تلاش جدی صورت پذیرد. نخستین سنگها حدود ساعت ۱/۲۰ دقیقه بعد از ظهر به طرف عبادت کنندگانی که در کنار دیوار غربی ایستاده بودند پرتاب شدند، پلیس اقدام به شلیک نارنجکهای حاوی گازهای تهوع آور نمود، اما ظرف چند دقیقه پس از آن، به داخل محوطه و صحن مسجدالاقصی یورش برد و گلوله‌های فلزی دارای پوشش لاستیکی که بالقوه کشنده بودند را شلیک کرد. با این وجود، در ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر، پس از آن که عبادت کنندگان حاضر در محل دیوار غربی تخلیه شده بودند دیگر خطر مجروح شدن برای عبادت کنندگان یهودی وجود نداشت و پلیس می‌توانست حیاط مسجد را ترک نماید. با این وجود، در پاسخ به سنگهایی که پرتاب می‌شدند، تیرانداز بهایا نیز

به مدت چندین ساعت به صورت متناوب ادامه یافت و به نظر می‌رسد که از نشانه‌گیری دقیقی هم برخوردار نبوده‌اند. در این مرحله از گاز اشک‌آور استفاده نشده بود.

- به نظر نمی‌رسد که شلیک گلوله‌ها به طرف افرادی که سنگ پرتاب می‌کرده‌اند نشانه‌گیری شده باشد. بسیاری از کسانی که برای عبادت به مسجد آمده و در سنگ پرنیهای انجام شده به هیچ وجه دخالتی نداشتند نیز مورد هدف قرار گرفته بودند.

- گفته می‌شد که حرکت آمبولانسها و عملیات تخلیه مجروحان در پاره‌ای موارد به مدت ۱۵ تا ۲۰ دقیقه از جانب نیروهای امنیتی به تأخیر انداخته شده است.

### تظاهرات در داخل اسرائیل

- از تاریخ ۲۹ سپتامبر در بیش از ۳۰ شهر و روستای واقع در سراسر اسرائیل تظاهراتی صورت گرفته است. تظاهراتی که مورد مخالفت پلیس قرار گرفته بودند، به شکل مسالمت‌آمیز و بدون وارد آمدن تلفات جانی بر گزار شده و به پایان رسیدند. در ام‌الفهم نیز، پس از دو تظاهراتی که با تلفات جانی همراه بود، پلیس در روز سوم در صحنه حاضر نشد و تظاهرات آن روز، بدون ایجاد جراحت و صدمه‌ای برگزار شد.

- در برخی موارد و به ویژه در شمال اسرائیل، در ناصریه، ام‌الفهم، سخنین، و عزابه، روشهای نظامی مقابله با تظاهرات که در کرانه باختری و غزه به کار گرفته می‌شدند، در این قبیل مناطق هم مورد استفاده قرار گرفتند: یعنی اینکه با استفاده از انبوه نیروهای مسلح، پلیس با تظاهرکنندگان روبرو شد و دامنه ناآرامیها به سرعت و با شلیک گلوله‌های فلزی دارای پوشش لاستیکی و مهمات جنگی گسترش پیدا کرد، بی‌آنکه تلاش شود تا از وسایل غیر کشنده برای متفرق کردن تظاهرات استفاده شود.

- بعداً معلوم شد که نیروهای امنیتی، گاهی اوقات بعد از کشته شدن یکی از تظاهرکنندگان به استفاده از گاز اشک‌آور به میزان زیاد متوسل شده‌اند که در نتیجه این

اقدام تظاهر کنندگان متفرق شده‌اند.

تظاهر کنندگان روز دوم اکتبر سال جاری در حدود ساعت دو بعد از ظهر در روستای عرابه اجتماع کرده و به طرف بیرون روستا و مکان نمادینی که زمینهای صادره شده روستا در باغهای زیتون واقع در مجاورت محل تخلیه زباله‌ها قرار داشت، به راه افتادند. تظاهر کنندگان در آن محل، برای جان و مال ساکنان یهودی هیچ خطری نداشتند. نیروهای پلیس، ارتش و نیروهای ویژه در دامنه تپه مجاور و بالای سر تظاهر کنندگان حضور داشتند. نیروهای مزبور ابتدا اقدام به شلیک گاز اشک آور نموده و سپس به طرف تظاهر کنندگان که تعدادشان حدود ۲۰۰ نفر بود حمله‌ور شدند موقعی که معترضین پراکنده می‌شدند به طرف آنها گلوله‌های فلزی دارای پوشش لاستیکی و گلوله‌های جنگی شلیک می‌کردند. دو تظاهر کننده بنامهای علا خالد ناصر \* ۲۲ ساله و عسیل حسن اصلح \*\* ۱۷ ساله در این ماجرا به قتل رسیدند. عسیل اصلح یکی از هواداران جنبش موسوم به «بذرهای صلح»، یعنی گروهی که برای دوستی اعراب و اسرائیل فعالیت می‌کند، بود. وی در اردوگاه آنان واقع در مریند ایالات متحده اقامت کرده بود و موقعی که فوت کرد، لباس مربوط به جنبش بذرهای صلح را پوشیده بود. شاهدان می‌گویند او را دیدند که توسط نیروهای امنیتی از پا در آمده و به زمین افتاده بود. قربانی از ناحیه گردن و از فاصله نزدیک مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود. شاهدان به سازمان عفو بین‌الملل گفتند که پس از مورد اصابت قرار گرفتن وی، تقاضای یک دستگاه آمبولانس شد اما به خاطر ممنوعیتهایی که در زمینه آمد و شد افراد و خودروها از جانب سربازان و نیروهای پلیس اسرائیل اعمال شده بود، آمبولانس به محل حادثه نیامد. عسیل اصلح با یک اتومبیل شخصی به مرکز پزشکی حیفا واقع در سخنین برده شد تا در آنجا کمکهای اولیه اضطراری

\* Ala' Khaled Nasser

\*\* Asil Hassan Asleh

را دریافت کند. وی پس از آن به بیمارستان دیگری واقع در «نهاریه» که با آنجا کمتر از نیم کیلومتر فاصله داشت انتقال داده شد، اما آمبولانسی که وی در داخل آن قرار داشت در چندین پست بازرسی معطل شد. به محض رسیدن به بیمارستان نهاریه، پزشکان سعی کردند بر روی عسیل اصلح عمل جراحی انجام دهند، اما وی نتوانست از خطر مرگ نجات یابد. پدر داغدار وی به فرستادگان سازمان عفو بین الملل گفت: «در شرایط عادی، پلیس به مردم خدمت می کند، آنها مردم را نمی کشند.»

### تشکیلات خودگردان فلسطین / اراضی اشغالی

- در پاره‌ای موارد، شاهدان اظهار داشته‌اند که پلیس فلسطین و افراد دیگر به طرف ارتش و نیروهای پلیس مرزی اسرائیل تیراندازی کرده‌اند. از جانب فرد سخنگوی تشکیلات خودگردان فلسطین چنین ادعا شده است که واقعه مذکور تنها زمانی اتفاق افتاده است که نیروهای امنیتی اسرائیل با مهمات جنگی و گلوله‌های فلزی به طرف تظاهرکنندگان تیراندازی کرده‌اند. با وجود این، یک سرباز اسرائیلی که از مقبره یوسف واقع در شهر نابلس حراست می کرد توسط یک فلسطینی که به طرف مقبره تیراندازی می کرد زخمی شد. سرباز مذکور پس از آن که تشکیلات خودگردان نتوانست امکان انتقال بی خطر وی به بیمارستان را فراهم نماید، فوت کرد.

- در رام ا...، نابلس و نوار غزه شواهدی وجود داشت تا از آن حکایت کند که - تاکتیک‌های مربوط به دادن پاسخ شدید به تظاهرکنندگانی که سنگ پرتاب می کنند سریعاً به استفاده از - گلوله‌های لاستیکی گسترش پیدا کردند و از گلوله‌های جنگی هم مکرراً استفاده شد.

- شواهد قاطعی وجود داشت که نشان می دادند ارتش اسرائیل در بسیاری از مواقع بر روی تظاهرکنندگانی که سنگ پرتاب می کرده‌اند، آتش گشوده و در مواقعی که هیچ خطر



قریب‌الوقوعی جان‌نیروهای امنیتی یا سایرین را تهدید نمی‌کرده، فلسطینیان و از جمله کودکان را کشته و زخمی کرده است.

- گلوله‌هایی که در دیوارهای منازل واقع در اطراف محله‌های برگزاری تظاهرات در شهرهای نابلس، رام‌ال...، و بیت‌لحم فرورفته‌اند نشان می‌دهند که مهمات جنگی مکرراً و با نشانه‌گیری ضعیف مورد استفاده قرار گرفته‌اند و گاهی اوقات باعث کشته و مجروح شدن کسانی شده است که با تظاهرات انجام شده هیچ ارتباطی نداشته‌اند.

- همچنین شواهدی وجود داشت که نشان می‌داد افرادی که به تظاهرات ارتباطی نداشته اما در مناطق تحت پوشش پستهای نظامی اسرائیل تردد می‌کرده‌اند هدف تیراندازی قرار گرفته و گاهی اوقات در این اقدام اسرائیلیها کشته شده‌اند (به عنوان مثال، مصطفی فراجہ\* در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۰۰ موقعی که با دوستش در منطقه بیت‌ساحور عبور می‌کردند هدف قرار گرفته و کشته شده‌اند. ادعا شده است که هشام مقبل\*\* چهل و سه ساله نیز در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۰۰ توسط سربازی به قتل رسیده است که چند صدمتر آن طرف‌تر در محل دروازه شهرک یهودی نشین نتزاریم واقع در نوار غزه قرار داشته است.

- شواهدی از تیراندازی به طرف آمبولانس و خدمه پزشکی آن، و به تأخیر انداختن عملیات تخلیه مجروحان نیز وجود داشته است. به عنوان مثال، گزارش شده که محمد سامی الجباری\*\*\*، پرستاری که برای جمعیت هلال احمر فلسطین کار می‌کرد، در تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۰۰ موقعی که در محله «باب‌الزایه» شهر الخلیل، فرد مجروحی را داخل برانکارد قرار می‌داد، از ناحیه گونه مورد اصابت گلوله قرار گرفته است.

\* Mustafa Farajeh

\*\* Hisham Muqbel

\*\*\* Muhammad Sami al-Jabari

در تاریخ اول اکتبر، سامر تبانجه \* ۱۲ ساله روی سرایشی صخره‌ای بیرون خانه‌اش که یکی از مرتفعترین منازل شهر نابلس است نشسته بود و همراه با عمویش و افراد دیگر، صحنه ناآرامی‌هایی که پانصد متر پایین‌تر در جریان بود را تماشا می‌کرد.

یک بالگرد تهاجمی ارتش اسرائیل در بالای سر آنها دور می‌زد و نیروهای اسرائیلی نیز به روی تپه مقابل آنها که در فاصله حدود ۷۰۰ متر دورتر از آنجا قرار داشت اعزام و در آنجا مستقر می‌شدند. عموی وی به داخل خانه رفت و پسر بچه یاد شده هم پس از وی به راه افتاد. عموی سامر ناگهان احساس کرد که برادر زاده‌اش دستانش را به دور کمر وی انداخت. بعد معلوم شد که پسر بچه مذکور از ناحیه شکم مورد اصابت گلوله قرار گرفته است. سامر تبانجه که به شدت از بدنش خون می‌آمد به سرعت به بیمارستان رسانده شد اما نجات وی میسر نشد.

در تاریخ ۱۰ اکتبر سال جاری نفرات اعزامی از سوی سازمان عفو بین‌الملل، نتیجه یکی از تظاهرات همراه با پرتاب سنگ را در منطقه رفح واقع در حاشیه جنوبی نوار غزه مشاهده کردند. سامی فتحی ابو جزار \*\* پس از آن که در اثر تیراندازی سربازان اسرائیلی به طرف یک اجتماع حدوداً چهار صد نفره از ناحیه سر مجروح گردید، در بیمارستان اعلام شد که دچار مرگ مغزی شده است. اغلب تظاهر کنندگان مزبور، دانش آموزان مدارس ابتدایی بودند که به طرف یک پست نظامی اسرائیل سنگ پرتاب می‌کردند. شش نفر دیگر نیز در نتیجه تیراندازی اسرائیلیها مجروح شدند. دانش آموزان مورد اشاره از جانب جوانان بزرگتر از خودشان تشویق شده بودند که مدارس را ترک کنند و برای انجام تظاهرات به بیرون بروند. نفرات اعزامی از جانب سازمان عفو بین‌الملل چنین نتیجه‌گیری کردند که

\* Samer Tabanjuh

\*\* Sami Fathi Abu Jazar

جان سربازان اسرائیلی که مواضع آنها شدیداً تقویت شده، در پشت دور ردیف سیم‌خاردار و در فاصله‌ای بسیار دورتر از افرادی که سنگ پرتاب می‌کردند قرار داشته به هیچ وجه از ناحیه افراد مذکور در معرض خطر و تهدیدی قرار نداشته‌اند و برای استفاده از نیروی مهلک نیز هیچ توجیهی وجود نداشته است. سامی ابو جزار روز بعد و در آستانه دوازدهمین سال تولدش درگذشت.

### توصیه‌هایی خطاب به سازمان ملل :

- سازمان ملل باید یک نهاد بین‌المللی تحقیق را وجود بیاورد که از متخصصان قوانین جزایی و سایر کارشناسانی که بخاطر بی‌طرفی و صداقتشان معروف هستند تشکیل شده باشد. این نهاد باید بتواند در مورد تمامی کشتارها و سایر تخلفات جدی از حقوق بشر که از ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ به این سو و در شرایطی به وقوع پیوسته‌اند که با قوانین بین‌المللی و معیارهای موجود در اسرائیل، اراضی اشغالی و از جمله مناطق تحت اختیار قانونی تشکیلات خودگردان فلسطین، و جنوب لبنان در تعارض بوده‌اند، تحقیق نماید. گروه تحقیق باید وسایل لازم برای انجام کار مورد نظر خود را در اختیار داشته و به شاهدان و از جمله کسانی که در صفوف نیروهای امنیتی اسرائیل و فلسطین قرار دارند، و همچنین به شواهد مهم و اساسی موجود به طور کامل دسترسی داشته باشد. گزارش گروه تحقیق مورد اشاره نیز باید به صورت علنی منتشر شود.

### - خطاب به دولت اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین :

اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین باید به طور کامل با این گروه تحقیق همکاری نمایند. حمایت از حاکمیت قانون و محافظت از حیات انسانی و امنیت وی باید برای اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین از اهمیت بسیار زیادی برخوردار باشد.

## - خطاب به دولت اسرائیل:

با توجه به یافته‌های سازمان عفو بین‌الملل در خصوص استفاده گسترده نیروهای امنیتی اسرائیل از زور، لازم به ذکر است که:

دولت اسرائیل باید اقدام فوری را اتخاذ نماید تا اطمینان حاصل شود که نیروهای امنیتی، ارتش، پلیس و نیروهای پلیس مرزی اسرائیل از معیارهای بین‌المللی حاکم بر نحوه عملکرد مقامات مجری قانون و چگونگی به کارگیری قوه قهریه و سلاحهای گرم پیروی کرده و به این وسیله حق حیات سایرین را محترم داشته و مورد محافظت قرار دهند. دولت اسرائیل باید بدون تأخیر روش مقابله با تظاهرات را مورد بررسی مجدد قرار دهد تا اطمینان حاصل نماید که در آینده، اقدامات نیروهای امنیتی اش در زمینه مقابله با تظاهرات با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر مطابقت داشته باشند.

دولت اسرائیل باید تمامی کسانی که مسئولیت کشتارهای غیرقانونی انجام شده متوجه آنان است را در محکمه‌هایی که با معیارهای بین‌المللی مطابقت داشته باشند به پای میز محاکمه بکشد.

دولت اسرائیل باید خسارات وارده را جبران نماید که این امر پرداخت غرامت به خانواده‌های قربانیان قتل‌های غیرقانونی اخیر را نیز شامل می‌شود.

## منابع:

- ۱- انتشارات خبری سازمان عفو بین‌الملل را به زبان انگلیسی از طریق این آدرس: <http://www.amnesty.org> و به زبان عربی نیز از طریق این آدرس: <http://www.amnesty-arabic.org/index.htm> در دسترس می‌باشد.
- ۲- برای استفاده از گزارش مربوط به وقایع مزبور، گزارش وقایع بیت‌سلیم در معبد کوهستان، مورخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰: گزارش اولیه را ملاحظه نمایند (بیت المقدس، اکتبر ۲۰۰۰).